



پژوهشگاه اسناد و کتابخانه ملی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

تعامل میان پدیده‌ارشناسی علوم اجتماع و هنرها

مایکل باربر
یوخن درهر
مترجم: زهرا عبدالله

• هوالباط

تعامل میان پدیدارشناسی،
علوم اجتماعی و هنرها

ویراستاران
مایکل باربر
یوخن درهر

مترجم
زهرا عبدالله



عنوان و نام پدیدآور : تعامل میان پدیدارشناسی، علوم اجتماعی و هنرها/ویراستار
مایکل باربر، جوچن درهر؛ مترجم زهرا عبداللهه.
مشخصات نشر : تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری : ۴۲۵ ص.: جدول؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
فروست : علوم اجتماعی و هنر.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۲۴۳-۴
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : عنوان اصلی:

The interrelation of phenomenology, social sciences
and the arts, 2014.

موضوع : پدیده‌شناسی
موضوع : Phenomenology
شناسه افزوده : باربر، مایکل دی، ۱۹۴۹ - م.، ویراستار
شناسه افزوده : Barber, Michael D.
شناسه افزوده : درهر، یوخن، ۱۹۷۰ - م.، ویراستار
شناسه افزوده : Dreher, Jochen
شناسه افزوده : عبداللهه، زهرا، ۱۳۵۱ -، مترجم
شناسه افزوده : پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
رده بندی کنگره : B۸۲۹/۵/ت۷ ۱۳۹۸
رده بندی دیویی : ۱۴۲/۷
شماره کتابشناسی ملی : ۵۰۵۹۵۰۹

عنوان: تعامل میان پدیدارشناسی، علوم اجتماعی و هنرها
ویراستاران: مایکل باربر و یوخن درهر
مترجم: زهرا عبداللهه
طراح جلد: لیلی کاظمی
صفحه‌آرا: حسین آذری
نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۸
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
قیمت: ۴۷۰۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۲۴۳-۴



همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@nicac.ac.ir

هاتف: (١٨)

تقديم به همسر

فهرست مطالب

سخن ناشر	۱
مقدمه مترجم	۳
مقدمه	۷

فصل اول: زیباشناسی و علوم اجتماعی

فضاهای نامرتب و خلاءهای آثار هنری: بازخوانی زیباشناسی پدیدارشناسانه	۱۷
علوم فرهنگی در پرتو ادبیات	۳۱
پیش‌بینی، خیال و نوآوری: به‌سوی نظریه‌کنش خلاق مبتنی بر شوتر	۴۵
خیال و علوم اجتماعی	۶۹
بی‌هدفی کارکردی: «معنای عملی» زیباشناسی	۹۱
هنر به‌مثابه شکلی متناقض‌نما از ارتباط	۱۰۷
تلاقی جامعه‌شناسی و اثر هنری: چارچوب‌های تحلیلی برای مطالعه تولید و دریافت هنری	۱۲۱

فصل دوم: ادبیات

گذر از قلمروهای محدود معنا: تجربه و استعاره‌سازی ادبیات و هنر	۱۴۷
سانچو پانزا و دون کیشوت: روش‌های استنادی و پدیدارشناسانه در تحلیل آثار هنری	۱۶۱
ادبیات به‌مثابه درمان اجتماعی: احضار، اپوخته و معشوقه	۱۷۹
انسان بی‌کیفیت و مسئله واقعیات متکثر: بازخوانی آلفرد شوترز و رابرت موسیل	۱۹۷
گرفتار سرگذشت‌ها یا زمینه‌های روایی واقعیات متکثر	۲۱۷
جهانی که دیگران کتابخانه می‌نامند: بازسازی اسرار نمادین دنیای روزمره	۲۴۵

فصل سوم: موسیقی

تنظیم ارتباط: از یک نظریه اجتماعی موسیقی تا درک فلسفی بینادذهنیت	۲۶۳
تنظیم دوسویه ارتباط و روان‌شناسی پدیدارشناسانه	۲۸۹
موسیقی، معنا و جامعه‌مندی: از نگاه یک پدیدارشناس اجتماعی	۳۰۹
تمرین هنری، روش‌شناسی و ذهنیت: «من می‌توانم» به‌مثابه امکان عملی و آگاهی اولیه	۳۲۷
مبانی موسیقایی تعامل: موسیقی به‌مثابه رسانه واسط	۳۳۷

فصل چهارم: فیلم و عکاسی

۳۵۵.....	تفسیر فیلم: مطالعه موردی کازابلانکا
۳۷۱.....	کندوکاوی پدیدارشناسانه پیرامون راشومون
۳۸۷.....	هنر عکاسی: برخی ملاحظات پدیدارشناسانه
۴۰۱.....	فهرست اعلام
۴۰۵.....	نمایه

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با هدف رفع نیازهای پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نزدیک به دو دهه است که با رویکرد مسئله‌محوری به دنبال شناخت مشکلات حوزه فرهنگ و هنر، شناسایی قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها و ارائه راهبردها و راهکارهای مناسب برای حل مشکلات و نیز توسعه قابلیت‌ها در مسیر تعالی فرهنگی کشور است.

این پژوهشگاه، با سه پژوهشکده فرهنگ، پژوهشکده هنر و پژوهشکده ارتباطات در تعامل و همکاری با صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه فرهنگ و هنر، ضمن اجرا و نظارت بر طرح‌های پژوهشی مورد نیاز، اقدام به برگزاری نشست‌ها، همایش‌های علمی، جلسات نقد و گفتگو و نیز جشنواره پژوهش فرهنگی سال می‌نماید.

علاوه بر این، دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه نیز، به‌عنوان متولی انجام مطالعات فرهنگی و اجتماعی در سطح ملی، ضمن اجرای نظرسنجی‌های مورد نیاز، به اجرای پیمایش‌های ملی نظیر پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ مصرف کالاهای فرهنگی؛ سواد رسانه‌ای؛ وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه ایران و سنجش سرمایه اجتماعی کشور اقدام می‌نماید.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تلاش دارد تا مجموعه دستاوردهای پژوهشی خود را با هدف تحقق عدالت فرهنگی و دسترسی همه پژوهشگران و سیاست‌گذاران فرهنگی کشور، منتشر نماید. از این‌رو انتشارات پژوهشگاه طی مدت فعالیت خود

تاکنون، آثار پژوهشی متعدد و متنوعی را در قالب «کتاب»، «گزارش پژوهش»، «گزارش نظرسنجی» و «گزارش راهبردی» منتشر کرده است. پژوهشگاه همچنین، انتشار فصلنامه علمی پژوهشی «مطالعات فرهنگ ارتباطات» و نیز چاپ آثار برگزیده جشنواره فرهنگی سال را در کارنامه خود دارد.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ضمن استقبال، تعامل، همکاری و همفکری با استادان، نخبگان و پژوهشگران حوزه فرهنگ، هنر و رسانه، امیدوار است با انتشار دستاوردهای پژوهشی خود بتواند به «مرجع پژوهش» در حوزه فرهنگ و هنر ایران و نیز پایگاهی برای اندیشمندان و دلسوزان این عرصه تبدیل شود.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

مقدمه مترجم

کتاب «تعامل میان پدیدارشناسی، علوم اجتماعی و هنرها» از سری معتبر «آثار پدیدارشناسی» است که انتشارات اشپرینگر با مشارکت «مرکز مطالعات عالی پدیدارشناسی» در سال ۲۰۱۴ منتشر نموده است. ویراستاران کتاب دو تن از برجسته‌ترین شوتز‌شناسان جهان به‌شمار می‌روند. مایکل باربر، استاد فلسفه دانشگاه سنت لوییس و نویسنده مدخل «آلفرد شوتز» در دایرةالمعارف فلسفه استنفورد و مدخل «گروویچ و شوتز» در کتاب راهنمای تاریخ پدیدارشناسی آکسفورد است. به‌علاوه، «زندگینامه آلفرد شوتز» به‌قلم او، در سال ۲۰۰۴، از سوی انتشارات دانشگاه ایالتی نیویورک به چاپ رسیده است. یوخن درهر، مدیر اجرایی آرشیو علوم اجتماعی در دانشگاه کنستاز و نویسنده مدخل «آلفرد شوتز» در کتاب پیشگامان علوم اجتماعی وایلی بلک‌ول انتشارات آکسفورد، در سال ۲۰۱۱ است.

آلفرد شوتز (۱۸۹۹-۱۹۵۹)، نظریه‌پرداز حوزه‌های فلسفه و جامعه‌شناسی، در اتریش به دنیا آمد و پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی خود در دانشگاه وین، با آغاز جنگ جهانی دوم، به آمریکا مهاجرت کرد. وی در طرح نظریه‌های خود، به‌طور خاص متأثر از هانری برگسون، ماکس وبر و ادموند هوسرل بود و مفهوم «زیست‌جهان» وی شهرت جهانی یافت. آلفرد شوتز را می‌بایست بنیان‌گذار جامعه‌شناسی پدیدارشناسانه دانست. گفتمان‌های اصلی این رویکرد را در دو مورد می‌توان خلاصه نمود: انتقاد از گرایش‌ها و رویکردهای جامعه‌شناسی رسمی (به‌ویژه پوزیتیویسم) و تمایز بین ذهن و

عین و توجه به معانی و عنصر ذهنی در تحلیل‌ها. همچنین، از اهمّ مباحث مطرح‌شده توسط شوتز می‌توان به واقعیت اجتماعی و چهار قلمرو آن، کنش اجتماعی و ارکان روابط بین‌ذهنی، معانی عینی و ذهنی، انگیزه‌های معطوف به علت و انگیزه‌های معطوف به غایت، اشاره نمود. واقعیت آن است که تفسیر آراء شوتز به دلیل پیچیدگی و ماهیت انتزاعی آنها، چالش‌برانگیز و دشوار است. از میان آثار وی می‌توان از «ساختار معنامند جهان اجتماعی: درآمدی بر جامعه‌شناسی تفسیری» و «تأملاتی در مسئله مرتبط بودن» نام برد. اما بی‌شک مهم‌ترین اثر او «پدیدارشناسی جهان اجتماعی» است که هوسرل از آن با تجلیل یاد کرده است. پیتر برگر، توماس لاکمن و هارولد گارفینکل از شاگردان مکتب آلفرد شوتز هستند.

مؤلفین مقالات کتاب حاضر، ضمن نقد و بررسی آراء شوتز و پیروان مکتب او، برهم‌کنش حوزه‌های پدیدارشناسی، جامعه‌شناسی و هنرها را مورد بحث و تبادل نظر قرار داده‌اند. در واقع، اهتمام این نویسندگان اثبات این مدعاست که تحلیل فرایندهای تولید، دریافت و تفسیر آثار هنری مستلزم در نظر گرفتن دیدگاه‌های ذهنی و عینی مؤلف و مخاطب است.

پدیدارشناسی فرصت توصیف زیست‌جهان مرکزیت‌یافته ذهنی کنشگر (هنرمند یا مخاطب) و همچنین ساختارهای ابژکتیو ادبیات، موسیقی و به‌طور کلی حوزه زیباشناسی را فراهم می‌آورد. نقش علوم اجتماعی نیز بازسازی ساختار تاریخی اجتماعی درگیر در خلق و دریافت اثر هنری است. مؤلفین مقالات با در دست داشتن این دو امکان، چارچوبی نوین برای تحلیل آثار هنری در حوزه‌های ادبیات، موسیقی، عکاسی و فیلم فراهم آورده‌اند. در این راستا، تفسیر خلاقانه‌ای از برخی آثار برجسته در این شاخه‌ها ارائه‌شده و تعامل پدیدارشناسی، علوم اجتماعی و هنر در درک و تبیین این برآوردهای نظری، مورد بررسی قرار گرفته است. اهمیت کتاب برای خواننده ایرانی، علاوه بر آشنایی با دیدگاه‌های شوتز، فرصتی است که برای آشنایی وی با شیوه تحقیق در آثار هنری با رویکرد فلسفی پدیدارشناسانه بر اساس مبانی جامعه‌شناسی فراهم می‌شود. برای درک بهتر مطالب ارائه‌شده در کتاب، آشنایی اولیه با برخی مفاهیم اساسی در نظریات شوتز ضروری است. برخی از این مفاهیم را شوتز از دیگران به ودیعت گرفته، اما غالباً آنها را بازتعبیر کرده یا بسط داده است. مهم‌ترین این مفاهیم عبارت‌اند از: «زیست‌جهان»، «جهان‌کنش عملی»، «دیمومیت»، «بیناذهنیت» و «حاضرسازی»، که ذکر نکاتی در مورد آنها برای ورود خواننده به مباحث این کتاب راهگشا خواهد بود.

شوتز مفهوم «زیست‌جهان»^۱ را از ادموند هوسرل اخذ نمود، ولی آن را به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای گسترش داد و از سطح پدیدارشناسی نظری به سطح جامعه‌شناسی پدیدارشناسانه ارتقا بخشید. او زیست‌جهان را به زیرجهان‌های چهارگانه‌ای تقسیم نمود. مبنای تقسیم این فرض است که هر تجربه اجتماعی خالق زیرجهانی است که در آن واقعیت‌های اجتماعی یا مستقیماً توسط افراد تجربه‌شده یا در افق تجربه ایشان قرار می‌گیرند. در نوع اول، در زیرجهان محیط^۲، ما با هم‌نوعان^۳، همکاران یا طرفین^۴ ارتباط مواجه هستیم. در نوع دوم، سه زیرجهان هم‌عصران، اسلاف و اخلاف^۵ قرار می‌گیرند. مفهوم «جهان‌کنش عملی»^۶ اساساً مفهومی شوتزی است و او از آن برای اشاره به جهان‌کنش، عمل و تجربه استفاده می‌کند که برای مردم عادی واقعی‌ترین جهان است و در آن حرکات کالبد جسمانی در بستر فضا و زمان اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. شوتز مفهوم «دیمومیت»^۷ را از هانری برگسون (به‌عنوان مبنای نظریه زمان و آگاهی) اخذ نمود و بسط داد. این مفهوم که نزد برگسون مبنایی فلسفی برای درک زمان و به‌خصوص تفسیر معنای «لحظه» و سیالیت زمان انگاشته می‌شد، در دستان توانمند شوتز به مفهومی برای درک روابط اجتماعی بدل شد. از دید برگسون، دیمومیت مرتبه خودآگاه بشر و ظرف ادراک حقیقت زمان است. ایده آگاهی درونی به زمان، به‌مثابه ساختار درونی جریان آگاهی را پیشتر هوسرل مطرح نموده بود. شوتز این نکته را دریافت که این آگاهی درونی، تنها راه جهت‌دهی تجارب در طرفین ارتباط اجتماعی است. «بینادهنیت»^۸ از مفاهیم کلیدی در فلسفه، روان‌شناسی، و علوم اجتماعی است. هوسرل در پدیدارشناسی استفاده وسیعی از این مفهوم نمود و شوتز با درک اهمیت آن در تبیین تعاملات اجتماعی، بر این نکته تأکید ورزید که درک جوهره اصلی جهان اجتماعی، به‌عنوان هم‌بافتی از کنش‌های درهم‌تنیده معنادار، بر مفهوم اشتراک ادراکی بین کنشگران متکی است. از این رو، تفسیر پدیدارشناسانه شکل‌گیری گرایش‌های طبیعی در اجتماع منوط به درک بینادهنیت است. مفهوم دیگری که شوتز از

1. Lebenswelt (life-world)

2. Umwelt

3. fellow-men

4. consociates

5. contemporaries (Mitwelt), predecessors (Vorwelt) and successors (Folgewelt).

6. Wirkwelt (working world)

7. durée

8. intersubjectivity

هوسرل به ودیعت گرفت، مفهوم «حاضر سازی»^۱ بود که شوتز برای توضیح چگونگی شکل گیری مفاهیم بیناذهنی به آن متوسل شد. از دیدگاه شوتز، معانی بیناذهنی حاصل رابطه احضاری بین دال و مدلول، یا سوژه و ابژه هستند. از دیدگاه پدیدارشناسی، «دادگی»^۲ پدیده، چگونگی حضور آن به گونه‌ای است که ادراک شده یا به خاطر آورده می‌شود. این امر حاضر سازی التفاتی پدیده را در پی دارد که ضمن آن معنی پدیده در ارتباط آن با سایر پدیده‌ها یا با فاعل شناسا شکل می‌گیرد. از این منظر، احضار نوعی حیث التفاتی است که رابطه فرد با دیگری یا با خود دیگر را شکل می‌دهد و معنا می‌بخشد. شوتز علاوه بر مفاهیم عاریتی مذکور، مفاهیم بدیعی چون مفهوم «قلمروهای معنا» و ایده «ملارتباط» را برای توضیح تأملات خویش در فلسفه اجتماعی به کار گرفته است که همگی در سطح نظری و با ذکر مصادیق و کارکردهای تفسیری در شاخه‌های مختلف هنری در این کتاب واکاوی شده‌اند.

بخش نخست کتاب به ارتباط زیبایی‌شناسی و علوم اجتماعی پرداخته و مبانی نظری دیدگاه شوتز در باب هنر و اصول زیبایی‌شناسی پدیدارشناسانه از منظر اجتماعی را مورد کنکاش قرار می‌دهد. در بخش‌های دوم تا چهارم که بیشتر جنبه موضوعی و خاص دارند، مصادیق بارز به کارگیری این اصول در تحلیل آثار هنری در حوزه‌های ادبیات، موسیقی، فیلم، و عکاسی از رهگذر تحلیل و نقد مطالعات شوتز در هر حوزه ارائه می‌شوند. تفکیک حوزه‌ها این امکان را برای خواننده فراهم می‌آورد که به‌طور گزینشی به خواندن مقاله‌ای خاص بپردازد. از این رو معادل لاتین واژگان مهم در پاورقی هر مقاله تکرار شده تا بهره‌وری چنین خوانندگانی نیز از متن بیشینه و بهینه باشد.

1. appresentation

2. givenness

مقدمه

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از مقالات ارائه‌شده در کنفرانس بین‌المللی و میان‌رشته‌ای «پدیدارشناسی، علوم اجتماعی و هنرها» که به موضوع ارتباط نگرشی هستی‌شناسانه و فلسفی، و بینشی علمی اجتماعی با قابلیت خاص تحلیل پدیده هنر پرداخته‌اند. رویکرد پدیدارشناسانه، به دلیل تأمل آن بر تصاویر ذهنی روشن خودآگاهی و همچنین بر ساختارهای عینی نظیر زیباشناسی، ارتباط، معنا، قلمروهای محدود معنا، موسیقی و ادبیات، غور در دیدگاه ذهنی هنرمندان و مفسرین را میسر می‌سازد چراکه تمامی ساختارهای مزبور به نوعی، به کار تحلیل دقیق و اساساً فلسفی می‌آیند که پدیدارشناسی به آن شناخته شده است. در مقابل، نگاه علوم اجتماعی معطوف به پیش‌زمینه‌های تجربی و تاریخی اجتماعی سه‌گانه هنرمند، مفسر و اثر هنری است. نظریه زیست‌جهان که مابین پدیدارشناسی و علوم اجتماعی تکوین یافته، به واسطه تحلیلی پدیدارشناسانه و دقیق، امکان تفسیر قلمروهای متعدد واقعیت در اثر هنری را فراهم نموده و ساختار معنایی را که در قالبی نمادین در آن نهاده شده و مشخص‌کننده کارکرد اثر است، توصیف می‌کند.

برجسته‌ترین فیلسوف و متخصص علوم اجتماعی در زمینه بررسی رابطه میان پدیدارشناسی و علوم اجتماعی، آلفرد شوتر بود که کنفرانس مزبور در گرامی داشت پنجاهمین سالگرد وفات وی برگزار گردید. شوتر، در بخشی از اثر خود برای توصیف مبانی هستی‌شناختی علوم اجتماعی، به‌ویژه مفهوم کنش اجتماعی ماکس وبر که وی

آن را هسته علوم اجتماعی می‌دانست، به پدیدارشناسی تمسک جست. علاوه بر این، نظریه زیست‌جهان و نظریه نشانه و نماد وی و همچنین نوشتار او پیرامون واقعیات متکثر، به‌ویژه در تفسیر پدیده هنری، کارایی داشته و در همین راستا، اثر او پیرامون ادبیات و موسیقی بسیار مهم است. از این میان، تحلیل‌های شوتز در گستره‌های متکثر واقعیت در اثر دون کیشوت و تفسیر وی از اپرای موزارت در بین محققین حوزه پدیدارشناسی و علوم اجتماعی کاملاً شناخته‌شده است. از فرضیات اساسی مورد تأکید در چارچوب نظری کنفرانس و کتاب حاضر آن است که تحلیل تولید، دریافت و تفسیر اثر هنری، مستلزم در نظر گرفتن بینش ذهنی هنرمند و همچنین مفسر است. همچنین پدیدارشناسی، مبتنی بر زیست‌جهان متصور شامل دیدگاه‌های ذهنی افراد با قلمروهای متفاوت معنایی، به تحلیل ویژگی‌های فلسفی و اساسی ادبیات، اشکال هنری ادبی و ارتباط آنها با علوم اجتماعی، هنر به مثابه ارتباط، کنش خلاقانه، خیال، فضای زیباشناختی، روایت، نظام‌های نمادین، استعاره، قلمروهای محدود معنا، ارتباطات بین‌ذهنی، ارزش هنری، هنرهای تجسمی، موسیقی و اجرای آن می‌پردازد. در مقابل، علوم اجتماعی از شرایط تجربی و تاریخی اجتماعی خلق و دریافت اثر هنری پرده برمی‌دارد. با این حال، علوم اجتماعی [ماکس] ویر آن شرایط را در معنایی که هنرمندان به فعالیت خود می‌بخشند و نه معنایی که مخاطب به آن فعالیت منسوب می‌کند می‌سنجد؛ از این رو با این تمرکز نظری خاص، با ترکیب دو حوزه پدیدارشناسی و علوم اجتماعی، چارچوبی بدیع برای تحلیل پدیده هنری مهیا ساخته و امکان تفسیری خلاقانه از گستره آثار و اشکال هنری متمایز و همچنین درک ملاحظات نظری در همبستگی هنرها، پدیدارشناسی و علوم اجتماعی را فراهم می‌سازد.

وجه خاص کنفرانس، در اظهار نظر و نقد پیشکسوتان پیرامون مقالات ارائه‌شده توسط محققین جوان‌تر بود. کتاب حاضر با مقالاتی در خصوص موضوع پرسش‌های عمومی، درباره سرشت زیباشناسی و ارتباط میان پدیدارشناسی، علوم اجتماعی و هنرها آغاز می‌شود. در فصل دوم به مقالاتی در حوزه ادبیات، فصل سوم به موسیقی و فصل آخر به فیلم و عکاسی می‌پردازد.

مؤلفین متعددی در ماهیت زیباشناسی و ارتباط آن با علوم اجتماعی و پدیدارشناسی، بحث می‌کنند. ماساتو کیمورا در «فضاهای نامرتب و خلاءهای آثار هنری»، نظریه‌های زیباشناختی کنراد و اینگاردن را بازخوانی می‌کند. این نظریه‌ها که با رویکرد روان‌شناسانه به هنر تدوین شده‌اند «فاصله‌ها» در آثار هنری را مورد ارزیابی

قرار داده و راه را برای نظریه‌ی دریافت ادبیات کنسانترا می‌گشایند. نظریه‌کنسانتر به برهم‌کنش (مناسب رویکرد پدیدارشناسانه) میان ابژه و سوژه و همچنین اثر هنری و مفسر می‌پردازد که نظام ارتباطی آن، چنان‌که شوتز اشاره می‌کند، نقشی اساسی در تفسیر ایفا می‌کند. لستر/مبری در مقاله «علوم فرهنگی در پرتو ادبیات»، ضمن بسط یک دکترین معرفتی^۲ نشان می‌دهد که سه فرم هنری ادبی یعنی شعر، رمان و قصه کوتاه در «جنبه‌های جامعه‌شناختی ادبیات» شوتز، چگونه مرتبط گشته و برهم‌کنش سه حوزه فرهنگی روان‌شناسی، علوم اجتماعی و تاریخ را آشکار می‌سازد. هوبرت نابلاچ در «پیش‌بینی، خیال و نوآوری: به سوی نظریه‌ی کنش خلاق مبتنی بر شوتز» نظریه‌ی کنش شوتز را از طریق شرح کاربرد آن در توضیح خلاقیت بسط می‌دهد. چنین نظریه‌ی مبتکرانه‌ای می‌بایست ویژگی‌های درونی کنش را در نظر گرفته و تنها به اتفاقات خارجی که به‌طور مستقل از کنشگر رخ می‌دهند، اکتفا نکند. تأکید خود شوتز بر جنبه‌های نوعی و شناختی تجربه، به حاشیه‌کشاندن تخیل را که منحصر به قلمرو محدودی از معنا است، موجب می‌شود. نابلاچ، وجوه تخیل را از لابه‌لای روزنگاری‌های شوتز بازیابی نموده و نظریه‌ی او را از طریق مقایسه‌ی آن با ایده‌ی خلاقیت موقعیت‌مند هانس یواس مبتنی بر تطبیق با موقعیت‌های روزمره‌ی اطرافمان، بسط می‌دهد. هیساشی ناسو، در مقاله‌ی خود با عنوان «خیال و علوم اجتماعی» بر آن است تا ناسازگاری میان هنرها و علوم اجتماعی را که اغلب برآمده از تعارض خیال و خرد است، برطرف کند؛ واگرایی ناشی از آنچه هوسرل آن را علم گالیله‌ای می‌نامید. ناسو خیال را عملی خودآگاه توصیف نموده و آن را از لوازم ادراک می‌داند. او همچنین خیال را متمایز از ادراک و حافظه شمرده و شرح می‌دهد که چگونه نوعی ساختار تألیف انواع، علوم اجتماعی و ادبیات را شکل می‌دهد. با این حال، در انواع علوم اجتماعی مرزبندی‌ها بیشتر است (بنا به الزام آنها برای انطباق با اصول برهه‌شوتز). هانس گئورگ سافنر، اهمیت فضای کلی زیباشناسی را در مقاله «بی‌هدفی کارکردی: "معنای عملی" زیباشناسی» کندوکاو می‌کند. او نشان می‌دهد که تجربه‌ی ادراکی چگونه توانایی تشکیل ابژه‌های زیباشناختی را دارا بوده و یکپارچگی در تجربه، چطور از هم‌کاری تعاملی حواس به‌دست می‌آید. این معنابخشی (به‌عنوان یکی از مشخصه‌های نظریه‌ی پدیدارشناسی) بنای فرهنگی نمادها و نظام‌های نمادین، به‌منظور تجهیز انسان در

1. Konstanz

2. Wissenschaftslehre

مواجهه با مخاطرات وجود را نیز توجیه می‌کند. با این وجود، برخلاف شعور که از طریق روزمرگی، امنیت خاطر می‌آفریند، خیال، شکلی بسته از واقعیت را ایجاد می‌کند: رابطه زیباشناسانه با خود. زیباشناسی به جهت باز و پذیرا بودن، با علوم نسبت دارد، اما در قواعد عقلانی ساختار خود از علوم پیروی نمی‌کند. مقاله «هنر به مثابه شکلی متناقض‌نما از ارتباط» اثر *ایلیا سروبار*، تناقض مفهوم ارتباط از رهگذر هنر را مورد توجه قرار می‌دهد: واقعیتی مادی در عین ارجاع به حقیقتی ورای روزمرگی‌ها، با ساختاری معنایی مصون از مداخلات روزمره مخاطبین و از سویی وابسته به عناصر معنایی عمل‌گرا. به تعبیر سروبار، حتی در پندار عبور از یک درب فولادی، باید بر مقاومت آن غلبه کرد. در پایین‌ترین سطح، بستر بیناذهنی عمل و معنا قرار دارد که به اعمال بدن قوام می‌بخشد. حتی آثار ادبی نشانه‌شناسانه، سطحی غیر نشانه‌شناختی از معنا را دربر دارند، بدین معنا که شخص برای درک مفاهیم نشانه‌شناسی مربوط به درد و ترس در یک متن ادبی، باید پیشتر درکی تجربی از آنها داشته باشد. فعال‌سازی حضور اثر هنری نیازمند اجزای غیر نشانه‌شناسانه است. سرانجام *آنا لیزا توتا* در «تلاقی جامعه‌شناسی و اثر هنری: چارچوب‌های تحلیلی برای مطالعه تولید و دریافت هنری» به سرچشمه ارزش هنری، به‌ویژه در پرتو شناخت ارزشی وابسته به متن، اشاره می‌کند. توتا نظریه‌ای جامعه‌شناسانه برای چنین ارزشی وضع می‌کند که با آراء کسانی که ارزش اثر را مبتنی بر ویژگی‌های ذاتی آن می‌سنجند، در تضاد است. در پرداختن به آفریننده اثر هنری، او شرح‌های مؤلفین (مانند نظریه‌های رمانتیک نخبگان) و شرح‌های دریافت (آیزر) را مورد چالش قرار می‌دهد چراکه این موارد چشم‌اندازی به عناصر اجتماعی زمینه‌ای و سازمانی مؤثر در تشکیل و دریافت هنر فراهم می‌آورند. شوتز، خود اغلب چنین عناصری را به درون‌گروه‌ها و برون‌گروه‌ها تعبیر می‌کرد و البته عوامل اجتماعی مؤثر در مصرف هنر را نیز باید در نظر داشت. توتا با مثال بوتیچلی که تا پیش از *ابی واربرگ*، منتقد هنر قرن نوزدهم، به هنرش وقعی ننهاده بودند، بحث را به سرانجام می‌رساند.

ادبیات یکی از حوزه‌هایی است که شوتز ارتباط آن را با پدیدارشناسی و علوم اجتماعی آزمود و برخی از مؤلفین شرکت‌کننده در کنفرانس، به این موضوع اشاره داشتند. *گرد سبالد* استعاری‌سازی یا درک یک چیز در قالب چیز دیگر را در «گذر از قلمروهای محدود معنا: تجربه و استعاری‌سازی ادبیات و هنر» شرح می‌دهد. استعاره به مفهوم درک یک رویداد در قالب موردی دیگر است چنان‌که شوتز ملاقات با

ادموند هوسرل را در پرتو رمان‌های ویلهلم مایستر اثر گوته درک نمود. این گذر از مرزهای قلمرو معنا در همین لحظات جاری رخ می‌دهند، مانند وقتی که زمان حال، تجربه‌ای از گذشته را زنده می‌کند که به درک روشن‌تر حال می‌انجامد و یا زمانی که علائم نوشتاری منفعلانه معانی را تداعی می‌کنند. آمالیا باربوزا در مقاله «سانچو پانزا و دون کیشوت: روش‌های استنادی و پدیدارشناسانه در تحلیل آثار هنری»، روش‌های آلفرد شووتز و کارل مانهایم را در خصوص دون کیشوت بررسی و با هم مقابله می‌کند. در حالی که شووتز به هنر همچون قلمرو بسته‌ای از معنا می‌نگرد، مانهایم آن را به‌عنوان متن «مستندی از زمانه» و شرایط تاریخی و اجتماعی (شامل جهان‌بینی^۱ به‌عنوان خاستگاه آن) در نظر می‌گیرد. مقاله باربوزا به یک جمع‌بندی از دیدگاه‌های علوم اجتماعی و پدیدارشناسی در راستای اهداف کنفرانس دست می‌یابد. مایکل باربردر «ادبیات به‌مثابه درمان اجتماعی: احضار^۲، اپوخه و معشوقه»، سطوح فراروی‌های حاصل از حاضرسازی در رمان را تحلیل می‌کند. روایات، اغلب از نظر راوی، بر فواصل فضایی‌زمانی و فواصل میان اشخاص فائق آمده و کلیت رمان، با زیست‌جهان داستانی خود، معنای عمیق‌تری را حاضرسازی می‌کند. از این‌رو رمان معشوقه، اثر تونی موریسون، درد سهمگین و مشقت‌بار برده‌داری را حاضرسازی نموده و التیام آن در روند رمان، نخستین گام به‌سوی درمان اجتماعی است. مارتین اندرس در «انسان بی‌کیفیت» و مسئله واقعیات متکثر: بازخوانی آلفرد شووتز و رابرت موسیل» تفسیر کلاسیک پیتر برگربر رمان موسیل را در قالب واقعیات متکثر به چالش می‌کشد. پرسش اندرس آن است که آیا «شرط دیگر» موسیل که به‌نظر از کل جهان‌زندگی روزمره (شامل همه واقعیات متکثر) فرامی‌رود، اساساً در قالب «واقعیات متکثر» قابل درک است. در عوض، اندرس پیشنهاد می‌کند که مفهوم «واقعیات متکثر» را می‌توان گسترش داد تا سطوح انتزاعی‌تر بازتاب^۳ را نیز دربر بگیرد. آنت هیلت نویسنده مقاله «گرفتار سرگذشت‌ها یا زمینه‌های روایی واقعیات متکثر»، با کمک رمان سال‌نگاشت‌ها اثر اوه جانسون و شخصیت‌های اصلی آن، یعنی جسی و ماری، بررسی می‌کند که شرح‌حال‌نویسی به‌طور خاص، چگونه هویت فردی و کنش بیناذهنی را شکل می‌دهد. روایات، به‌طور نمادین، گذشته را ملموس می‌کنند، گرفتاری‌های ما را در تاریخ آشکار می‌سازند، دیدگاه‌های متعدد گذشته را در تقابل با هم قرار می‌دهند

1. Weltanschauung

2. appresentation

3. reflexivity

و جهان کنش بینادهنی را برپا می‌کنند. یوخن درهر، در «جهانی که دیگران کتابخانه می‌نامند: بازسازی اسرار نمادین دنیای روزمره»، کارکرد منطق رویداد شاعرانه را که متفاوت از منطق زندگی روزمره و حقیقت عقلانی است، در داستان کوتاه «کتابخانه بابل»، اثر خورخه لویی بورخس توصیف می‌کند. پیرو نظر شوتز درخصوص آن که نمادها در دنیای روزمره زیست‌جهان، ایده‌های برتر متعلق به قلمروهای دیگری از واقعیت را حاضرسازی می‌کنند و بنا بر ایده‌شاکله‌های تفسیری و محتوایی شوتز، معانی متعددی برای کتابخانه کتابخانه‌ها در داستان بورخس احصا می‌کند. کتابخانه می‌تواند ایده یک نظام قدرتمند (مشابه رژیم‌های توتالیتار اروپایی) یا ایده آشفستگی و سردرگمی شخص در میان قفسه‌ها را تداعی کند.

شوتز به‌عنوان پیانیست، بارها روی موسیقی، پدیدارشناسی و روابط اجتماعی تعمق نمود و از این‌رو برخی از مؤلفین کتاب حاضر، به شرح و بسط آراء و اندیشه‌های وی در این موضوع پرداخته‌اند. نخستین مقاله در این راستا، «تنظیم ارتباط: از یک نظریه اجتماعی موسیقی تا درک فلسفی بینادهنیت» اثر کارلوس بلودره است. مؤلف با تجربه تنظیم ارتباط در موسیقی آغاز نموده و سپس نقد ریچارد زانر بر مبحث بینادهنیت شوتز را مورد تأمل قرار داده است. زانر معتقد است «حاضرسازی» که مفهومی کارآمد برای دریافت و درک امور است، در توضیح مقارنت میان افراد با اشکال مواجه می‌شود. بلودره در پاسخ به نقد زانر، به اجتناب‌ناپذیری امر دریافت ذهنی، ماهیت استعاری «حاضرسازی» و ماهیت انفعالی‌تصنعی بینادهنیت به‌عنوان مبنای زیست‌جهان اشاره می‌کند. مقاله چانگ‌چی یو به‌نام «تنظیم دوسویه ارتباط و روان‌شناسی پدیدارشناسانه» به جایگاه محوری روان‌شناسی پدیدارشناسانه در پروژه شوتز، برای تکوین فلسفی علوم اجتماعی می‌پردازد؛ این پروژه با موضع هوسرل در قبال روان‌شناسی پدیدارشناسانه متفاوت است. یو بحث می‌کند که تنظیم دوسویه ارتباطات موسیقی، روابط متعدد درگیر در ترکیب‌بندی و اجرای موسیقی را شرح داده و رابطه «ملارتباط» در کانون روان‌شناسی پدیدارشناسانه را روشن می‌سازد. آندریاس گوتلیک در «موسیقی، معنا و جامعه‌مندی: از نگاه یک پدیدارشناس اجتماعی» بر آن است تا مرز میان پدیدارشناسی و جامعه‌شناسی را در موسیقی مشخص کند. موسیقی، ضمن دلالت بر معنای نمادین و ارجاع وراء جهان کنش عملی به ساحت حقیقی هنر، به روابط اجتماعی شنونده، نوازنده و آهنگساز وابسته است. روش آهنگساز در نظارت بر «اجرای درست» و به‌ثمر رساندن بیانگری خلاقانه موردنظر هلموت پلسنر، بیش

از آن‌که به تحلیل اجتماعی نزدیک باشد، به پدیدارشناسی و تمرکز آن بر دیدگاه ذهنی آهنگساز، مربوط است. آندریاس گئورگ استاشیت در «تمرین هنری، روش‌شناسی و ذهنیت: "من می‌توانم" به مثابه امکان عملی و آگاهی اولیه»، میان تمرین خلاقانه در جهت گسترش افق مفهوم «من می‌توانم» هوسرلی و «یادگیری» برای دستیابی به موفقیت، تمایز قائل می‌شود. تکالیف خلاقیت‌محور به ایجاد تغییر در سوژه تمرین‌کننده منجر می‌شود. سوژه خود را از طریق تکرار، تنوع، گفت‌وگو با محیط و گوش فرادادن به خود، تغییر پیوسته موضوع تمرین، ایفای نقش مخاطب و هنرمند به‌طور همزمان و قرار گرفتن در معرض صیروت مدام، تغییر می‌دهد. موتوتاکا موری مقاله خود با عنوان «مبانی موسیقایی تعامل: موسیقی به مثابه رسانه واسط» را با نقد شوتز بر نظر موریس هالپواچز مبنی بر یکی شمردن زبان موسیقی با نت موسیقی آغاز می‌کند. موری، مبتنی بر تحلیل شوتز از اپرا و ویژگی چندوضعیتی بودن موسیقی (که در تجربه خودآگاه و از طریق پدیدارشناسی مکشوف می‌شود)، نقش رسانه موسیقی در ارتباط میان افراد را شبیه نقش بدن و زبان می‌شمارد.

اگرچه شوتز خود درباره فیلم و عکاسی به‌عنوان هنر، اظهار نظر نکرده است، برخی مؤلفین، آراء وی را به این حوزه‌ها نیز قابل تعمیم می‌دانند. بخش فیلم و عکاسی کتاب حاضر، با مقاله جرج ساتاس، تحت عنوان «تفسیر فیلم: مطالعه موردی کازابلانکا» آغاز می‌شود. نویسنده مقاله، رویکردهای مختلف جامعه‌شناختی و فلسفی در تفسیر فیلم را ارائه می‌دهد. او به پیش‌انگاره‌های فرهنگی با سرشتی اجتماعی، سیاسی، نظامی و تاریخی که به‌طور تلویحی در فیلم وجود دارند، اشاره می‌کند که می‌تواند شامل عناصری نظیر طبقه‌بندی اعضا، اهداف ملی و مناسبات جنسیتی باشد. پس از تبیین این پیش‌انگاره‌ها در فیلم «کازابلانکا»، ساتاس با تشریح آن‌که چگونه در انتهای فیلم، فرمان «مظنونین همیشگی را دستگیر کنید»، به‌عنوان یک کنش اجتماعی، بسته به صادرکنندگان و مخاطبان فرمان، معانی متعددی می‌پذیرد، به بحث جامعه‌شناسی خرد عملی می‌پردازد. در «کندوکاوی پدیدارشناسانه پیرامون راشومون»، کنیچی کاوانو این فیلم برجسته ژاپنی به کارگردانی آکیرا کوراساوا را بررسی می‌کند. داستان مرگ یک سامورایی از دیدگاه‌های ذهنی مختلف طوری روایت می‌شود که این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا هیچ راه عینی برای به‌قطعیت رسیدن درباره یک رویداد وجود دارد. با این حال نقض مداوم اعتبار دیدگاه‌ها توسط مخاطب، ظن وجود یک توضیح عینی را تقویت می‌کند. کوانو نتیجه می‌گیرد که فیلم، اهمیت ابهام، تأثیر آگاهی‌های

متغیر و لزوم پرسشگری مدام را آشکار می‌سازد. آخرین مقاله این مجموعه، با عنوان «هنر عکاسی: برخی ملاحظات پدیدارشناسانه» متعلق به *توماس ابرل*، ارزش فعالیت عکاسی را به خودی خود، حتی در صورت عدم چاپ و ظهور، تحلیل می‌کند. ابرل عکاسی را موضوع حساسیت خاص به زندگی و تطبیق با چارچوب دائماً متغیر «نگاه عکاسانه» می‌داند. ابرل ویژگی‌های این نگاه را برمی‌شمارد: دلهره خودآگاه تماشاگری تنها و دور که اشیاء را در چارچوب می‌بیند، پیش‌زمینه و پس‌زمینه را انتخاب می‌کند، ابعاد زمان، مکان و روابط اجتماعی را محاسبه می‌کند و در تحوّل آزاد شرکت جسته و به مهارت فنی لازم برای استفاده بهینه از دوربین دست می‌یابد. مقاله ابرل، مانند مقاله استاشیت، بحثی هنری را از دیدگاه یک هنرمند مطرح می‌کند.

برای افراد آشنا با آثار شوتز و هوسرل، کتاب حاضر سرشار از ارجاعات مشخص به موضوعاتی است که در برخورد علوم اجتماعی و هنر نقش به‌سزایی ایفاء می‌کنند: مقابله با روان‌شناسی گرابی؛ دیدگاه ذهنی کنشگر و مفسر؛ قلمروهای محدود معنا و روابط، به‌ویژه میان ساحت کنش، هنرها، علوم اجتماعی و پدیدارشناسی؛ دکترین معرفتی (مناسبات علوم با یکدیگر)؛ نظریه عمل و خلاقیت؛ نقش خیال؛ ساخت‌وساز نوعی؛ اعطای معنا؛ تعامل پیشانشانه‌شناختی با جهان؛ نقش درون‌گروه‌ها و برون‌گروه‌ها در درک هنر و ارزش نهادن به آن؛ نظریه نماد؛ احضار یا حاضرسازی؛ فائق آمدن بر سطوح متعالی؛ ماهیت و بینادهنیت؛ شاکله‌های تفسیر؛ تنظیم ارتباط؛ سنتز منفعل؛ روان‌شناسی پدیدارشناسانه؛ روال هوسرلی «من می‌توانم»؛ نقش بدن؛ بررسی انتقادی پیش‌انگاره‌ها؛ تفسیر دیدگاهی؛ حساسیت خاص به زندگی؛ و نقش زمان، مکان و نسبت‌های اجتماعی در کنش.

کتاب حاضر پویایی دیدگاه پدیدارشناسانه آلفرد شوتز و نقش به‌سزای آن را در درک شایسته‌زیباشناسی، علوم اجتماعی، پدیدارشناسی و فصل مشترک آنها در ارتباط با حوزه‌های خاصی نظیر ادبیات، موسیقی و هنرهای بصری آشکار می‌سازد. همچنین، چنان‌که از این نوشتار برمی‌آید، محققین پیشکسوت و جوان در رشته‌های گوناگون و از ملیت‌های مختلف، چارچوب مطالعاتی شوتز را برای تحلیل هنر مناسب یافته‌اند. در واقع این کتاب، جامع‌ترین متن موجود در زمینه چارچوب ارائه‌شده توسط شوتز در رابطه میان پدیدارشناسی و علوم اجتماعی و هنرها است. سرانجام آن‌که استقبال مؤلفین در اخذ این چارچوب، بسط رویکرد آن و یافتن کاربردهای نوین برای آن، تأییدی بر پویایی دستاورد ایشان است.

در پایان از زحمات مینگ لی به‌جهت ویرایش، و آناگنون و نیکلای روبرای

نمایه‌گذاری کتاب سپاسگزاری می‌شود.



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

آلفرد شوتز، بنیانگذار جامعه‌شناسی پدیدارشناسانه است. او با اتکا به آراء ادموند هرسل و هانری برگسون و بررسی پدیدارشناسانه کنش اجتماعی و روابط بین‌ذهنی، دیدگاه‌های پوزیتیویستی جامعه‌شناسی عصر خود را به چالش کشید.

کتاب «تعامل میان پدیدارشناسی، جامعه‌شناسی و هنرها» با بررسی برهم‌کنش حوزه‌های پدیدارشناسی، جامعه‌شناسی و هنرها، فرصتی مغتنم برای آشنایی با دیدگاه‌های شوتز و شیوه تحقیق در آثار هنری با رویکرد پدیدارشناسانه بر اساس مبانی جامعه‌شناسی فراهم می‌آورد.

ISBN: 978-600-452-243-4



9

786004

522434